



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

کار آفرینی با تأکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کار آفرینی قوتی



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر کاوه فرهادی
در اولین مدرسه تابستانه اقتصاد اسلامی می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

سخنران: دکتر کاوه فرهادی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی ایرانی، واژه، انسان‌شناسی یاریگری، دانش ضمنی و عینی، مفهوم کار

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۲۱۰۸۳۲

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

۱.....	مقدمه
۱.....	مفهوم کار در گذر زمان: تقابل شرق و غرب
۲.....	کار از دیدگاه اقتصاددانان
۳.....	تفاوت مفهوم کار در فرهنگ یونانی و رومی با فرهنگ آسیایی
۴.....	بی‌قداستی کار در یونان و روم باستان
۴.....	دیدگاه ارسطو در مورد کار و حرفه
۶.....	تعریف مفهومی کار
۶.....	کار در تفکر ایرانی
۷.....	مدیریت دانش
۸.....	دانش ضمنی و دانش عینی: سفری از ناخودآگاه به خودآگاه
۹.....	رویکرد غربی مدیریت دانش: نقصی آشکار
۹.....	کتاب «واره»، گزارشی از دانش بومی ناگفته
۱۰.....	دانش بومی، زبانی ناگفته که باید فهمیده شود
۱۰.....	فرایندهای دانش: TACIT و EXPLICIT
۱۲.....	تفاوت رویکردها در مدیریت دانش در شرق و غرب
۱۲.....	ریشه‌های فردگرایی در غرب: از روشنگری تا انقلاب صنعتی
۱۵.....	کارآفرینی از چه مکتبی نشأت می‌گیرد؟
۱۶.....	تعریف کارآفرینی در ایران
۱۷.....	تبادل فرهنگ‌ها، کلید تعالی
۱۸.....	خودیاری، همیاری و دگریاری در کار گروهی
۱۸.....	کارآفرینی در ایران و ژاپن
۲۰.....	کارآفرینی در ایران: بر شانه‌های یاری‌گری
۲۱.....	بازاندیشی در نظام آینده‌اندیشی ایران: مطالعه موردی بحران آب



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

باسمه تعالی

مقدمه

در آغاز بحث، سوالی کلیدی مطرح می‌شود: «تفاوت کار در شرق و غرب چیست؟» در این خصوص، دیدگاه من با فیلسوفی که در ادامه به آن اشاره خواهم کرد، مغایرت دارد. جزئیات این اختلاف نظر را در مقالتم به طور مفصل شرح داده‌ام. با این حال، جمله‌ای از این فیلسوف، آقای پوپر^۱، بسیار مورد توجه من است: «علم همیشه با مشاهده آغاز نمی‌شود، بلکه با طرح مسئله آغاز می‌شود و طرح مسئله از یک ذهن نابسامان برمی‌خیزد». بر همین اساس، با طرح پرسش‌هایی بنیادی، در صدد ایجاد نابسامانی ذهنی و زمینه‌سازی برای کاوش عمیق‌تر در این حوزه هستیم. در شرق و غرب، کار چه تفاوتی با هم دارد؟ کار در ایران به چه معناست؟ بستر فرهنگی ایران برای رشد و ایجاد کار چگونه است؟

مفهوم کار در گذر زمان: تقابل شرق و غرب

در اینجا به بررسی مفهوم «کار» به عنوان یک ارتباط^۲ می‌پردازیم. سولاتی که در این راستا مطرح می‌شوند عبارتند از:

- آیا مفهوم کار در جوامع غربی و شرقی یکسان است؟
 - در چه برهه‌ای از تاریخ، مفهوم کار در هر یک از این دو منطقه شکل گرفته است؟
 - چه عواملی در روند تحول مفهوم کار در غرب و شرق نقش داشته‌اند؟
- برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در مورد مفهوم کار در گذر زمان و تفاوت آن در شرق و غرب، ابتدا لازم است تعریفی از کار از منظر فیزیک ارائه دهیم. همانطور که فیلسوف بزرگمان می‌گوید، پیش از هر بحثی، باید تعریفی واحد و مشترک از موضوع مورد نظر داشته باشیم. در حوزه فیزیک، کار به عنوان «تبدیل یا انتقال انرژی» تعریف می‌شود؛ به عبارت ساده‌تر، هرگاه نیرویی به جسمی وارد شود و آن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر جابجا کند، «کار» انجام شده است.

۱. سیر کارل رایموند پوپر (به آلمانی: Karl Popper) (۲۸ ژوئیه ۱۹۰۲ - ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴) فیلسوف علم، منطق دان، ریاضی‌دان و اندیشمند اتریشی-انگلیسی و استاد مدرسه اقتصاد لندن بود. او یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان علم سده بیستم به حساب می‌آید و آثار زیادی در فلسفه سیاسی و اجتماعی از خود باقی گذاشته است.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

این تعریف فارغ از ملاحظات همچون دریافت یا عدم دریافت دستمزد، میزان یا کیفیت کار است.

همانطور که پیش تر گفته شد، در فیزیک، کار صرفاً به انتقال یا تبدیل انرژی اطلاق می شود و فارغ از ملاحظات همچون دستمزد و کیفیت است. همانطور که در فرهنگ لغت وبستر، به عنوان یک منبع معتبر، آمده است، کار به اعمال نیروی روانی و قوای ذهنی به منظور انجام فعالیت فیزیکی یا روانی در جهت کسب یک هدف تعریف می شود. این تعریف، مؤلفه های مهمی را به درک ما از کار اضافه می کند:

- **جنبه ذهنی:** در کنار فعالیت فیزیکی، کار شامل فعالیت های ذهنی نیز می شود. این فعالیت ها می توانند شامل تفکر، برنامه ریزی، حل مسئله و خلاقیت باشند.
- **هدف مندی:** کار صرفاً به انجام فعالیتی بدون هدف محدود نمی شود؛ بلکه باید در جهت رسیدن به یک هدف مشخص انجام گیرد.

در ادامه، کار به عنوان فعالیتی تعریف می شود که از فرد خواسته شده و در مقابل آن به وی مزد یا حقوق پرداخت می شود. این مبادله، رابطه ای بین کارگر و کارفرما ایجاد می کند که در آن، کارگر در ازای صرف زمان، تلاش و مهارت خود، دستمزدی دریافت می کند.

کار از دیدگاه اقتصاددانان

از نظر اقتصاددانان لیبرال^۱، کار عبارت است از استفاده هایی که انسان از قوای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می کند. در این دیدگاه، کار به عنوان ابزاری برای «تولید ثروت» و «ایجاد ارزش» تلقی می شود که نظری لیبرالی است و نتولیرالی^۲ نیست.

(۱) به لاتین: Liberalism، به معنای آزادی خواهی است. آزادی مبتنی بر فرد گرایی و تکیه بر عقل بدون در نظر گرفتن وحی از عناصر اصلی تفکر لیبرالیستی می باشد.

(۲) به لاتین: Neoliberalism، نظریه ایست در مورد شیوه هایی در اقتصاد سیاسی بر این باور که با گشودن راه برای تحقق آزادی و مهارت های فردی در چهارچوب نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می توان رفاه انسان را افزایش داد.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

یک اقتصاددان آمریکایی، کار را به عنوان «هرگونه فعالیت انسانی، خواه ذهنی و جسمی، و خواه معنوی یا ایده‌ای که به تولید کالای اقتصادی بیانجامد» تعریف می‌کند. شرط اساسی برای اینکه یک فعالیت به عنوان کار تلقی شود، آن است که منجر به «تولید کالای اقتصادی» و در نهایت «کسب درآمد» گردد.

کارل مارکس، فیلسوف و منتقد اجتماعی، تعریفی متفاوت از کار ارائه می‌دهد. از نظر مارکس، کار عملی است که «بین انسان و طبیعت» انجام می‌گیرد. در این فرآیند، انسان با اعمال نیروی کار خود بر طبیعت، آن را دگرگون کرده و محصولات را خلق می‌کند در واقع در این نظریه کار فعلی که فاعل آن انسان و مفعول آن طبیعت است. در اینجا سوالی در مورد دیدگاه مارکس در خصوص مالکیت فکری پیش می‌آید. ایشان در آثار خود به جنبه‌های مادی کار اشاره می‌کنند، اما به نظر می‌رسد کار معنوی و روانی را نادیده می‌گیرند. آیا می‌توان از این موضوع نتیجه گرفت که مارکس اساساً قائل به مالکیت فکری نیست؟

برخی از اقتصاددانان و مراجع رسمی، هر فعالیتی که منجر به کسب درآمد شود را کار تعریف می‌کنند و در نتیجه، بسیاری از فعالیت‌های غیرمولد را نیز در زمره تولید به حساب می‌آورند. در علم اقتصاد، کار به طور خاص به هر نوع خدمت ارزشمندی اطلاق می‌شود که توسط عامل انسانی در فرآیند تولید ثروت انجام می‌گیرد. بنابراین، با نگاهی کلی، می‌توان گفت که به هر فعالیتی که به تولید ثروت منجر شود را کار می‌گویند.

تفاوت مفهوم کار در فرهنگ یونانی و رومی با فرهنگ آسیایی

مفهوم کار در فرهنگ یونانی و رومی با مفهوم آن در فرهنگ‌های آسیایی، از جمله فرهنگ ایرانی، تفاوت‌های اساسی دارد. در ادیان شرقی، و به طور خاص در ادیان ایرانی، چه پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی، کار به عنوان امری مقدس تلقی می‌شده و با اخلاق، دین و عرفان در هم آمیخته بوده است. در مقابل، در یونان و روم باستان، مفهوم کار بدنی با نظام برده‌داری، اجبار و ستم پیوند خورده بود و غالباً به عنوان فعالیتی دون شأن انسان تلقی می‌شد.

جمله «ارسطو برده را ابزار جاندار می‌داند» گاه باورنکردنی به نظر می‌رسد، به‌ویژه با توجه به احترام و جایگاه والایی که ارسطو در تاریخ فلسفه دارد. این نقل قول از پوپر نشان می‌دهد که ارسطو و افلاطون در این باور مشترک بودند که



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

طبقات کارگر نباید زمام امور را به دست بگیرند و طبقات حاکم نیز نباید به کار یدی و پول درآوردن مشغول شوند. طبق نظر این دو فیلسوف، طبقات حاکم که صاحب زمین هستند، نباید خود به طور مستقیم در کار کشاورزی و زراعت دخالت کنند. وظیفه اصلی حاکمان فنودال، جنگ، شکار و سرگرمی‌هایی از این قبیل است.

بی‌قداستی کار در یونان و روم باستان

برخلاف ادیان شرقی که کار را امری مقدس می‌دانستند، در یونان و روم باستان، کار به هیچ وجه ارزشمند تلقی نمی‌شد؛ در واقع، تا حدی تقلیل یافته بود که حاکمان، ثروتمندان و صاحبان قدرت از انجام هرگونه کار یدی معاف بودند و وظیفه آنها صرفاً به سرگرمی، شکار و جنگ محدود می‌شد. همانطور که انسان‌شناسان جنگ معتقدند، در طول دوازده هزار سال گذشته، وقعه‌های صلح میان جنگ‌ها صرفاً تنفسی برای آماده شدن برای جنگ بعدی بوده است. در ایران نیز، به گفته آقای باستانی پاریزی^۱، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی^۲ خاص، جنگ‌ها تقریباً در کوتاه‌ترین فواصل زمانی به وقوع می‌پیوستند. علت این امر را می‌توان در ایدئولوژی حاکمان و قدرتمندان آن دوران جستجو کرد که کار را امری دون شأن خود می‌دانستند و وقت خود را صرف شکار، جنگ و سرگرمی می‌کردند؛ به عبارتی، جنگ و سرگرمی، مهم‌ترین دغدغه‌های فکری این طبقه محسوب، و شکار نیز به عنوان نوعی تمرین ذهنی برای جنگ تلقی می‌شده است.

دیدگاه ارسطو در مورد کار و حرفه

ارسطو در فلسفه خود، هرگونه اشتغال به حرفه یا کسب تخصص را به مثابه طرد شدن از طبقه اشراف تلقی می‌کرد. او به شدت بر این باور بود که یک فرد نجیب‌زاده (در اینجا منظور برده‌داران است) هرگز نباید بیش از حد به یک پیشه، صنعت یا علم خاص توجه کند. این جملات به خوبی بازتاب‌دهنده چنین اندیشه و نظام طبقاتی‌ای هستند. در اروپای

۱. محمدابراهیم باستانی پاریزی (۳ دی ۱۳۰۴ - ۵ فروردین ۱۳۹۳) تهران (تاریخ‌دان، نویسنده، پژوهشگر، شاعر، موسیقی‌پژوه، استاد دانشگاه تهران و از درویشان گنابادی بود. هیأت وزیران در سال ۱۳۸۴ هجری نشان درجه یکم دانش را به وی تصویب نمود.

۲) ژئوپلیتیک Geopolitics در یونانی از ژئو به معنی «کره زمین، زمین» و پلتیک به معنی «سیاست» به مطالعه تأثیرات جغرافیای زمین (انسانی و فیزیکی) بر سیاست و روابط بین‌الملل است، درحالی‌که ژئوپلیتیک معمولاً به کشورها و روابط بین آنها اشاره می‌کند.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

پس از رنسانس^۱ نیز، کار تا حد زیادی جنبه اجباری داشت و به همین دلیل، شارل فوریه در آرزوی نوعی کار دسته جمعی، متعادل و لذت بخش بود.

شارل فوریه^۲ و اقتصاددانان تعاون طلب معتقدند که غایت ایده آل ما، تبدیل کار به امری لذت بخش است. وی بر این باور است که این امر فقط از طریق کار دسته جمعی قابل تحقق است. این موضوع نشان دهنده فردگرایی حاکم بر ماهیت کار در غرب است؛ در واقع، نگاه غالب به کار در غرب تا حدی تقلیل یافته بود که اقتصاددانان تعاون طلب (که متأسفانه از سوی تاریخ نگاران اقتصاد مورد توجه کافی قرار نگرفته اند) رسیدن به کار دسته جمعی را به عنوان آرمانی والا در نظر می گرفتند.

بسیاری از فیلسوفان، از جمله نیچه^۳، در آثار خود از ایده های ارسطو بهره برده اند. این ایده ها در نهایت در جریان های مختلف فکری و رویدادهایی مانند جنگ جهانی دوم نقش آفرینی کرده اند. در میان رویکردهای معرفت شناسی شرقی، هرگز شاهد این نگاه نبوده ایم که کار صرفاً برای طبقه پایین جامعه است. در مشرق زمین، کار همواره از جایگاهی مقدس برخوردار بوده است؛ البته اینکه کدام پادشاه یا حاکم به این تقدس اهمیت می داده، بحثی جداگانه است. اما در نگاه معرفت شناسی ما، کار به عنوان امری پست و دون تلقی نمی شده است که در ادامه به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

در لغت نامه دهخدا، کار به معنای «آنچه از شخص یا چیزی صادر گردد و آنچه شخص خود را بدان مشغول سازد» تعریف شده است؛ همچنین به عنوان مترادف «فعل و عمل و کردار و آنچه کرده و به جا آورده است» نیز آمده است.

۱) رنسانس (به فرانسوی: Renaissance)، دوره نوزایی یا دوره نوازش، جنبش فرهنگی مهمی بود که آغازگر دورانی از انقلاب علمی، اصلاحات مذهبی و پیشرفت هنری در اروپا شد.

۲) فرانسوا ماری شارل فوریه (به فرانسوی: François Marie Charles Fourier) فیلسوف و اقتصاددان سوسیالیست اهل فرانسه و از مخالفان اقتصاد کلاسیک و از طرفداران راه اندازی شکل های تعاونی در اقتصاد است.

۳) فریدریش ویلهلم نیچه یا فریدریش ویلهلم نیتسجه (زاده ۱۵ اکتبر ۱۸۴۴ - درگذشته ۲۵ اوت ۱۹۰۰) فیلسوف، ادیب، شاعر، منتقد فرهنگی، جامعه شناس، آهنگساز و لغت شناس آلمانی و استاد زبان های لاتین و یونانی بود که آثارش تأثیر بسیار عمیقی بر فلسفه غرب و تاریخ اندیشه مدرن برجای گذاشته است.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

تعریف مفهومی کار

اما از نظر مفهومی، کار به مثابه حرکت جوهر طبیعت در سطوح گوناگون هستی است؛ چراکه کار، دگرگونی، بازگشت و فراگشت را به ارمغان می‌آورد. حرکت به این معناست و از منظر ما، حرکت در معنای عام آن، همان کار هستی است و همین کار و کشاکش است که امکان تغییر را فراهم می‌سازد.

کار در تفکر ایرانی

در تفکر ادیان ایرانی، چه در دوران پیش از اسلام و چه در آیین مقدس اسلام، همه هستی در حال کار هستند. کار مفهومی فلسفی و بسیار گسترده دارد و وسیع‌ترین مفهوم این لفظ به شمار می‌رود. به این معنا که هم در مورد خداوند متعال صدق می‌کند، هم درباره انسان‌ها و هم حتی در برابر موجودات طبیعی. خداوند نیز کار می‌کند. پس بنیاداً از بالاترین منبع هستی‌شناسی در ایران تا همه انسان‌های هستی‌دار، تا همه موجودات هستی‌دار، هستی داشتن، حتی در مرحله شدنش، نه در لحظه بودنش، با کار در آمیخته است. به نظر من این بیت از سعدی، لحظه‌ای را به تصویر می‌کشد که بسیار جذاب است:

برو کار می‌کن مگو چیست کار که سرمایه جاودانیست کار

نگر تا که دهقان دانا چه گفت به فرزندان چو همی خواست خفت

بسیاری در تحلیل این شعر می‌گویند: منظور از «خفت» لحظه مرگ است. می‌گویند دهقان دانا حتی در لحظه مرگ، در لحظه اتمام زندگیش، بزرگترین، جدی‌ترین، مهم‌ترین و آخرین وصیتش به فرزندان این است که «برو کار می‌کن مگو چیست کار؟» و اینجاست که «سرمایه جاودانیست».

آفرینش، اسم مصدر به معنای عمل آفریدن، خلق کردن، ایجاد کردن، ابتکار به خرج دادن، آفرینش و فطرت. از منظر مفهومی ما، آفرینش را در درکمان از هستی یا ایزدمنان می‌شناسیم و آفریننده را کسی می‌دانیم که چیزی را به وجود می‌آورد که پیش از آن وجود نداشته است. با ترکیب این دو واژه، به این مفهوم می‌رسیم که کارآفرین کسی است که کاری را از نو می‌آفریند؛ چه آن را کشف کند و چه خلق کند. در تعاریف ارائه شده، هیچ اشاره‌ای به سود، سودگرایی یا



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

ارزش آفرینی (که معادل دقیق تر واژه انگلیسی آن «سودآوری» است) دیده نمی شود.

آیا در تعریف کارآفرینی و آفرینش، اشاره ای به سود می شود؟ آیا از ریسک سخن گفته می شود؟ آیا گفته شده که برای کسب سود بیشتر، هر ارزش اخلاقی را زیر پا بگذاریم؟

مدیریت دانش

در بحث مدیریت دانش، با دو مفهوم کلیدی سیاست گذاری روبرو هستیم:

۱. دانش ضمنی^۱: آن دانشی که در لایه ناخودآگاه ذهن ما نهفته است.

۲. دانش عینی^۲: دانشی که به طور آشکار و صریح قابل بیان و انتقال است.

آقای نوناکا^۳ در کتاب «مدیریت منابع انسانی پیشرفته» (چاپ ۱۳۹۱) و مقالات و سخنرانی های بعدی خود، به این دو مفهوم و چالش های مرتبط با آنها پرداخته است.

این دانش بخشی از دانش است که باید کشف شود. این دانش در لایه ناخودآگاه ذهن ما نهفته است و تا زمانی که به سطح خودآگاه نیاید، قابل استفاده نیست. ناخودآگاه، مفهومی است که در ادبیات اسلامی، فلسفه اسلامی، روانکاوی فروید و یونگ و دیگر روانشناسی ها به آن پرداخته شده است. دانش ضمنی، به طور ذاتی در ما وجود دارد، اما تا زمانی که کشف نشود، از آن بی اطلاعیم. این دانش می تواند به دلیل ژنتیک، جغرافیا، اقلیم و عوامل دیگر شکل گرفته باشد. کشف این دانش در یک چالش اتفاق می افتد.

متخصصان حوزه روانشناسی، مدیریت دانش، روانشناسی سیاسی و روانکاوی معتقدند که هر یک از هشت تا نه میلیارد انسان روی کره زمین، دانش ضمنی منحصر به فرد خود را دارد. حتی لاله و لادن، دوقلوهای به هم چسبیده که در جهان کسی به اندازه آنها به هم نزدیک نبود، دانش ضمنی متفاوتی داشتند.

1. Tacit knowledge

2) Explicit knowledge

(۳) ایکوجیرو نوناکا (زاده ۱۰ مه ۱۹۳۵) نظریه پرداز سازمانی ژاپنی و استاد بازنشسته در دانشکده تحصیلات تکمیلی استراتژی شرکت های بین المللی دانشگاه هیتوتسوباشی است که بیشتر به خاطر مطالعه اش در زمینه مدیریت دانش شناخته می شود.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

دانش ضمنی و دانش عینی: سفری از ناخودآگاه به خودآگاه

فرض کنید دو نفر دانش ضمنی یکسانی دارند؛ اما زمانی که این دانش آشکار (عینی) می‌شود، شاهد تفاوت‌های چشمگیری در رفتار و عملکرد آنها هستیم. یکی از آنها عاطفی و برون‌گراست، ازدواج می‌کند و به شدت به دنیای اطراف خود واکنش نشان می‌دهد. او می‌نویسد، نقاشی می‌کند، شعر می‌گوید و به طور کلی، خلاقیت خود را به اشتراک می‌گذارد. نفر دیگر اما درون‌گراست و تمایل کمتری به برقراری ارتباط با دنیای بیرون دارد. با وجود تجربیات مشترک، دانش ضمنی این دو فرد در لحظه آشکار شدن، به دو شکل کاملاً متفاوت بروز می‌کند.

دانش ضمنی که در اعماق ناخودآگاه ما نهفته است، این گنج پنهان، در لحظه‌ای که به آگاهی ما می‌رسد، به دانش آشکار یا عینی تبدیل می‌شود و این اتفاق از طریق نوشتن، سخنرانی، مستندسازی، فیلم‌سازی، نقاشی، شعر و... به دنیای بیرون راه می‌یابد. علامه طباطبایی با به اشتراک گذاشتن دانش خود، سلسله جهانی از علم و معرفت را بنا می‌کند. ذهن هر انسان، گویی کهکشانی از دانش ضمنی را در خود جای داده است. گنجی بی‌نظیر که منتظر کشف شدن و به اشتراک گذاشته شدن است.

همانطور که روانکاوان معتقدند، بخش کوچکی از رفتارها و افکار ما قابل مشاهده است و بخش عظیمی از آن در اعماق وجودمان پنهان است. این بخش ناشناخته، نه تنها برای دیگران، بلکه برای خود ما نیز ناشناخته است؛ اما در چالش‌ها، گفتگوها، کلاس‌ها و مواجهه‌ها، این دانش ضمنی به عینی تبدیل می‌شود و گویی گنجی از اعماق وجودمان به سطح می‌آید.

هرچه انسان‌ها تجارب بیشتری داشته باشند، مطالعه کنند، سفر کنند و با دنیای اطراف خود در تعامل باشند، دانش ضمنی بیشتری را به دانش عینی تبدیل خواهند کرد. در مقابل، افراد با تجارب محدود، دامنه مطالعاتی کم و تعاملات ضعیف با دنیای بیرون، فرصت کمتری برای آشکار کردن دانش ضمنی خود خواهند داشت. این فقط بخش کوچکی از بحث دانش ضمنی و عینی بود.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

رویکرد غربی مدیریت دانش: نقضی آشکار

رویکرد غالب مدیریت دانش در غرب، بر پایه وجود دو نوع دانش است: دانش ضمنی و دانش آشکار. اما این رویکرد، بخش مهمی از دانش بشری را نادیده می‌گیرد. غربی‌ها معتقدند که تنها دانشی که قابل اتکا و معتبر است، دانشی است که به صورت مکتوب یا شفاهی در قالب جزوات، کتاب‌ها و... ارائه شده باشد. آنها دانش بومی ملت‌ها را که سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است، نادیده می‌گیرند و معتقدند که این دانشی قابل گزارش و ثبت نیست. اما واقعیت این است که بخش عظیمی از دانش بشری، در قالب دانش بومی جوامع مختلف نهفته است؛ مثلاً اگر بخواهیم در مورد طب سنتی ایرانیان یا گیاه‌شناسی ایرانیان مطالعه کنیم، با انبوهی از اطلاعات روبرو می‌شویم که در هیچ کتاب یا مقاله‌ای ثبت نشده است. این دانش، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، از مادر بزرگ به مادر و در حافظه جمعی جوامع ریشه دوانده است.

دانش بومی، در ابتدا به صورت دانش ضمنی وجود دارد. این دانش، در ناخودآگاه افراد و در قالب تجربیات، باورها و مهارت‌های آنها نهفته است. اما به مرور زمان، بخشی از این دانش ضمنی به صورت شفاهی یا مکتوب به دیگران منتقل می‌شود و به دانش آشکار تبدیل می‌شود. مثالی از دانش بومی در ایران، نهاد سنتی «واره» است. این نهاد که بزرگترین نهاد سنتی صددرصد زنانه در ایران محسوب می‌شود، قرن‌ها توسط زنان اداره می‌شده است. دانش مربوط به واره، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به صورت ضمنی در ذهن زنان روستایی نهادینه شده است؛ همچنین، در عشایر سنگسر سمنان و عشایر و روستاییان شهر بابک، از شیر بیش از چهل محصول لبنی بدون هیچ‌گونه مواد افزودنی تولید می‌شده است.

کتاب «واره»، گزارشی از دانش بومی ناگفته

«واره، درآمدی بر مردم‌شناسی تعاون» کتابی است که در سال ۱۳۸۰ به عنوان کتاب سال ایران برگزیده شد و جوایز متعددی از جمله جایزه نخست جشنواره بین‌المللی فارابی، جایزه نخست آیسکو و جایزه نخست یونسکو را کسب کرد. «واره» گزارشی از دانشی است که سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر در میان روستاییان و عشایر ایران منتقل



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

شده است. دانشی که مادر بزرگ‌ها و مادران ما نمی‌توانستند به طور کامل آن را به زبان بیاورند، اما در زندگی روزمره خود به طور عملی از آن استفاده می‌کردند.

نویسنده این کتاب، با صرف ۳۰ تا ۳۵ سال زمان در میان عشایر و روستاییان، این دانش ضمنی را به دانش آشکار تبدیل کرده است. اما در رویکرد غربی به مدیریت دانش، این نوع از دانش نادیده گرفته می‌شود. آنها دانش بومی را که سینه به سینه منتقل شده است، نادیده می‌گیرند و معتقدند که این دانش قابل گزارش و ثبت نیست.

در کنفرانسی بین‌المللی که در مورد میراث ناملموس فرهنگی صحبت می‌شد، شاهد نادیده‌گیری دانش بومی ایران بودیم؛ در حالی که ایران از نظر این نوع دانش بسیار غنی است، تمام مثال‌ها از آمریکای شمالی، ایتالیا، انگلستان و... بود؛ چراکه دانش بومی ایران به طور کامل به دانش آشکار تبدیل نشده و در آکادمی غرب جایگاهی ندارد. اما این به معنای بی‌ارزش بودن دانش بومی نیست، زیرا از سطح ناخودآگاه به خودآگاه آماده و ملت‌های جهان قرن‌ها با این دانش زندگی کرده‌اند و از آن در زمینه‌های مختلف مانند کنسرو کردن غذا، گلاب‌گیری، معماری، دامپروری و استفاده کرده‌اند.

دانش بومی، زبانی ناکفته که باید فهمیده شود

غربی‌ها دانش بومی را درک نمی‌کنند. آنها نمی‌توانند بفهمند که چگونه این دانش، که سینه به سینه منتقل شده و از نسلی به نسل دیگر رسیده است، می‌تواند چنین دستاوردهای عظیمی به ارمغان آورده باشد؛ مثلاً، در ایران، سیستم‌های سنتی حکمرانی آب، که بر پایه دانش بومی بنا شده بودند، توانستند در شرایط خشکسالی شدید، تمدنی را شکوفا کنند اما غربی‌ها این را درک نمی‌کنند و آنها فقط به دنبال دانش آشکار هستند، دانشی که در کتاب‌ها و مقالات نوشته شده است و دانش ضمنی را که در ذهن مردم نهفته است، نادیده می‌گیرند.

فرایندهای دانش: tacit و Explicit

با توجه به دو نوع دانش، عینی و ضمنی می‌توان چهار فرایند را در نظر گرفت:

۱. tacit در tacit: انتقال دانش ضمنی به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر مثل کشور ژاپن، مانند حفظ و

انتقال اشعار و متون کهن توسط افراد بی‌سواد کشور خودمان. در سالهای گذشته ما به خواندن کتبی مانند



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

شاهنامه و حافظ و نهج البلاغه اهتمام داشتیم به طور مثال اگر از فرد بی سواد پیر با سن ۸۶ سال بخوایم برایمان اشعاری از مولانا و شاهنامه می خواند.

۲. **Explicit در Explicit:** تبدیل دانش عینی به دانش عینی دیگر، مانند بحث‌های علمی بین دو دانشمند در یک سمینار.

۳. **Explicit در tacit:** تبدیل دانش ضمنی به دانش عینی، مانند تبدیل دانش ضمنی در مورد بورس به

کتاب‌های آموزشی و مقالات علمی. که کشور کره جنوبی مثال بارزی از این مورد است به طوریکه حتی از دانش نداشته خودشان دانش خلق کرده اند مانند سریال هایی که از افسانه هایشان اقتباس شده است.

۴. **Explicit در tacit:** تبدیل دانش عینی به دانش ضمنی، فرایندی که در ایران کمتر اتفاق می افتد.

در سخنرانی با عنوان «یاریگری در سنت تربیت ایرانی»، به موضوع چالش برانگیز تبدیل دانش عینی به دانش ضمنی در نظام آموزشی ایران پرداختم. ما در ترجمه متون علمی، فلسفی و... از زبان‌های دیگر به فارسی، تلاشی بی‌وقفه می‌کنیم.

اما این ترجمه‌ها تا چه حد به درک عمیق و کاربردی مفاهیم در فرهنگ و جامعه ما منجر می‌شوند. ژاپن نمونه‌ای مثال‌زدنی از کشوری است که در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. آنها با درک عمیق فرایند "

tacit در Explicit، دانش ضمنی را از متون خارجی استخراج و در بستر فرهنگی خود نهادینه می‌کنند.

برای مثال، بازار بورس ژاپن که بر پایه دانش ضمنی و بومی شکل گرفته، از تلاطم‌های جهانی تأثیر نمی‌پذیرد و در

عین حال، از تمام دستاوردهای علمی و تجربی در این حوزه بهره‌مند است. رویکرد ژاپن در انتقال دانش فلسفی و

علمی از غرب، نیز مثال زدنی است به این صورت که پدیدارشناسی روح هگل را در کلاس‌های ژاپن با روح ژاپنی

می‌خوانید. در ژاپن، شاهد تلاشی عمیق برای درک مفاهیم غربی و سپس بازنویسی و بازآفرینی آنها در چارچوب

فرهنگی خود هستیم. فیلسوفان ژاپنی فلسفه غرب را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با روحیات و تجربیات بومی آنها

همخوانی داشته باشد. این امر منجر به خلق دانش ضمنی و اصیل در حوزه‌های مختلف می‌شود؛ به طوری که اگر با

یک دانشمند ژاپنی در مورد فلسفه غرب صحبت کنید، کاملاً ژاپنی شده آن را ارائه می‌دهد. ترجمه به عنوان ابزاری

برای انتقال دانش از زبانی به زبان دیگر، نقشی کلیدی دارد. با این حال، ترجمه به تنهایی کافی نیست.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

حالت دیگری که مورد بحث است، حالت دانش عینی به دانش عینی است؛ به طور مثال در یک سمینار، ممکن است شاهد بحث بین دو دانشمند، یکی فیلسوف و دیگری فیزیکدان، باشیم، که نتیجه بحث انتزاعی از طرف فیلسوف با فیزیکدان ممکن است چیزی شبیه به موشک باشد.

تفاوت رویکردها در مدیریت دانش در شرق و غرب

در حالی که رویکرد غالب در غرب بر "Explicit در Explicit" یا تبدیل دانش عینی به دانش عینی دیگر تمرکز دارد، در کره جنوبی شاهد غلبه "tacit در Explicit" یا تبدیل دانش ضمنی به دانش عینی هستیم. اما در ایران، به گفته برخی متفکران مدیریت دانش، رویکرد غالب "tacit در tacit" یا انتقال دانش ضمنی به نسل‌های آینده است. این تفاوت در رویکردها، منجر به تفاوت در نحوه آموزش، پژوهش و در نهایت، نوآوری در شرق و غرب شده است. ژاپنی‌ها با درک عمیق این تفاوت‌ها، توانسته‌اند سیستم آموزشی و پژوهشی خود را مناسب ترطراحی کنند؛ در مقابل، ایران هنوز در این زمینه با چالش‌هایی روبروست.

نگرش به دانش در شرق و غرب نیز متفاوت است. در غرب، دانش عینی و قابل اندازه‌گیری بر پایه‌های استوارتری بنا شده است؛ در حالی که در شرق، دانش ضمنی و تجربی نقش پررنگ‌تری دارد. این تفاوت در نگرش، بر نحوه تولید و انتقال دانش در این دو منطقه نیز اثر می‌گذارد.

ریشه‌های فردگرایی در غرب: از روشنگری تا انقلاب صنعتی

دوران روشنگری، که از اواسط قرن شانزدهم تا اواخر قرن هجدهم به طول انجامید، نقطه عطفی در تاریخ اندیشه غرب محسوب می‌شود. آثار شاخصی مانند کتاب «شهریار» اثر ماکیاوولی^۱ در سال ۱۵۱۳ و «سنجش خرد ناب» اثر کانت^۲ در سال ۱۷۸۱، مبانی فکری این دوران را شکل دادند. یکی از پیامدهای مهم روشنگری، تأکید بر عقل فردی و

۱. نیکولو دی برناردو ماکیاوولی (۳ مه ۱۴۶۹ - ۲۱ ژوئن ۱۵۲۷) فیلسوف سیاسی، شاعر، مورخ و نمایشنامه‌نویس ایتالیایی بود.

۲. ایمانوئل کانت (زاده ۲۲ آوریل ۱۷۲۴ - درگذشته ۱۲ فوریه ۱۸۰۴) فیلسوف سرشناس آلمانی در عصر روشنگری و کارساز در فلسفه جدید بود. او یکی از فیلسوفان کلیدی عصر روشنگری است و فلسفه وی از اندیشه‌های چیره بر نیمه نخست سده نوزدهم است.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

خودمختاری انسان بود. این امر، زمینه‌ساز شکل‌گیری اندیشه‌های فردگرایانه و تمرکز بر حقوق و آزادی‌های فردی شد. استفاده از ماشین‌آلات و توسعه سیستم‌های تولید کارخانه‌ای، موجب افزایش بهره‌وری و ثروت جامعه شد. این امر به نوبه خود، فرصت‌های جدیدی برای افراد ایجاد کرد و به آنها امکان داد تا در مسیر پیشرفت و ترقی فردی خود گام بردارند. همانطور که لوئیس هنری مورگان، انسان‌شناس آمریکایی، اشاره می‌کند، تمدن‌های آفریقا و آسیا نقش کلیدی در گذار بشر از مرحله توحش به بربریت و سپس تمدن ایفا کرده‌اند؛ برای مثال، کشت گندم و سایر غلات، که از مهم‌ترین دستاوردهای اولیه کشاورزی به شمار می‌رود، در ایران و بین‌النهرین باستان رخ داده است. این نوآوری‌ها در زمینه تولید غذا، زیربنای شکل‌گیری جوامع پیچیده‌تر و در نهایت، تمدن‌های باستانی را فراهم کرد.

سوال جالبی هست که چرا ما با وجود اینکه چند میلیون سال از دنیا جلو بودیم، به خاطر یک چیز ساده مثل ماشین بخار، دویست سال از دنیای صنعت عقب افتادیم؟ میدانید که چینی‌ها تقریباً دویست الی سیصد سال قبل از ما در انگلستان از ماشین بخار استفاده می‌کردند. ولی فقط برای خودشان استفاده می‌کردند و مهمان‌هایشان را در دیوار چین جابجا می‌کردند و به دلایلی هم از آن برای جنگ استفاده نکردند.

در فصل چهارم کتاب انسان‌شناسی یاریگری به این نکته اشاره شده است که انگلیسی‌ها زندگی سرخ‌پوست‌ها را نابود کردند، ولی هرگز نتوانستند شکستشان بدهند. انگلیسی‌ها در نهایت برای تسلیم سرخ‌پوست‌ها، به ترفندی هولناک متوسل شدند. آنها گیاهان محل زندگی گاومیش‌ها را از بین بردند تا این حیوانات به ناچار از گرسنگی بمیرند و سرخ‌پوست‌ها تسلیم شوند. گیاهان مسموم شدند، گاومیش‌ها تلف شدند، تعداد زیادی از آنها با گلوله شکار شدند و منبع غذایی سرخ‌پوست‌ها به طور کامل نابود شد.

نکته بسیار جالبی در این میان وجود دارد. این گزارش توسط خود انگلیسی‌ها نوشته شده است. آنها اذعان می‌کنند که در حین نبرد، سرخ‌پوست‌ها به آنها حمله می‌کردند و حتی توپ و مسلسل آنها را تصاحب می‌کردند. اما از این سلاح‌ها استفاده نمی‌کردند. انگلیسی‌ها بعد از اینکه این سلاح‌ها را از سرخ‌پوست‌ها گرفتند، از آنها پرسیدند که چرا از آنها استفاده نکردید؟



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

سرخ‌پوست‌ها در پاسخ گفتند: «ما اصلاً نمی‌توانیم چنین کاری انجام دهیم. چطور می‌توانیم با مسلسل انسان‌های بی‌گناه را به خاک و خون بکشیم؟ یا با توپ به دشمنی که کیلومترها از ما دور است شلیک کنیم؟ ما از نظر اخلاقی مطلقاً قادر به انجام چنین جنایاتی نیستیم!» به همین دلیل بود که تمدن‌های باستانی شرق، با وجود داشتن کشتی‌های بزرگ (چین باستان) که می‌توانستند به سلاح‌های قدرتمندی مجهز شوند و همانند کاری که بعدها پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها انجام دادند، به سرزمین‌های دیگر یورش ببرند، هرگز دست به چنین جنایاتی نزدند. با ظهور ماشین بخار، تحول عظیمی از منظر اقتصادی، به ویژه از دیدگاه آدام اسمیت^۱، رخ داد: تولید به شدت افزایش یافت. نکته قابل توجه این است که قراتی که برخی، از آدام اسمیت ارائه می‌کنند، ناقص است. آن‌ها بخش‌هایی از نظرات او را جمع به کار مشارکتی و مشارکت در کار و تولید را نادیده می‌گیرند و صرفاً بر افزایش تولید با استفاده از ماشین تمرکز می‌کنند.

این نگاه به آدام اسمیت مشابه نگاهی است که به چارلز داروین^۲ وجود دارد. در مورد داروین نیز، برخی بخش‌هایی از نظرات او را جمع به همکاری و مشارکت در تکامل نادیده می‌گیرند و فقط بر رقابت در تکامل تأکید می‌کنند. این رقابت به عنوان راز بقا و مبنای تکامل اجتماعی در علوم اجتماعی مطرح می‌شود.

اما با نفوذ پول و تبدیل شدن ساعت کار به کالای اقتصادی، کارگر به مثابه کالایی برای خرید و فروش درآمد. همانطور که ارسطو انسان را به مثابه ابزاری جاندار می‌دانست، در این نظام جدید، کارگر به برده دوران جدید تبدیل شد. رواج سیاست اقتصاد آزاد و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی، مانع از حمایت دولت از قشر کارگر از طریق وضع قوانین و مقررات حمایتی شد. انقلاب صنعتی، در کنار آثار اقتصادی مثبت، پیامدهای اجتماعی منفی بسیاری نیز به همراه داشت.

۱. آدام اسمیت (۵ ژوئن ۱۷۲۳ - ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۰) فیلسوف اخلاق گرای اسکاتلندی در دوران روشنگری اسکاتلند است که از او به عنوان پیش‌گام در اقتصاد سیاسی و «پدر علم اقتصاد مدرن» یاد می‌شود.

۲. چارلز رابرت داروین (۱۲ فوریه ۱۸۰۹ - ۱۹ آوریل ۱۸۸۲) زیست‌شناس و زمین‌شناس انگلیسی بود که بیش از هر چیز برای یافته‌هایش در زمینه دانش فرگشت (تغییر در خصوصیت‌های وراثتی جانداران در طول نسل‌های متوالی است. فرگشت بدان معناست که تمام جانداران با همه تنوعی که دارند، از نیایی مشترک که حدود ۳/۵ تا ۳/۸ میلیارد سال پیش می‌زیسته، پدیدار گشته‌اند) شناخته می‌شود.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

کارآفرینی از چه مکتبی نشأت می‌گیرد؟

برخی معتقدند که ریشه آن در ایندیویژوالیزم^۱ نهفته است. به عبارت دیگر، تمدن غرب بر پایه مفاهیمی بنا شده که خود بر شانه‌های فردگرایی و سودمحوری استوارند. در این نظام، کار به امری تقلیل یافته و کارگر همانند برده دوران گذشته، مورد استثمار قرار می‌گیرد. مکتب اتریش، به عنوان آخرین و مفصل‌ترین رویکرد فردگرایی در اقتصاد، این ایده را به اوج خود می‌رساند. حتی طرفداران مکتب اتریش، که به نئوکنزینی معروف هستند، نیز معتقدند که دولت نباید هیچ دخالتی در امور اقتصادی داشته باشد. در این مکتب، آزادی مطلق اصل است؛ زیرا معتقدند که اگر کارآفرینان در هیچ زمینه‌ای، از جمله روابط با دولت، محدود نباشند، می‌توانند به خلاقیت و نوآوری بپردازند و در نهایت، به سود بیشتری دست یابند.

تعریف انسان در آمریکای شمالی، معرفت‌شناسی نگاه به انسان، بر پایه فردگرایی و سودمحوری بنا شده است. انسانی مورد تقدیر و ستایش است که به دنبال کسب سود بیشتر، ریسک می‌کند و به کارآفرین تبدیل می‌شود. مشکل از همان جایی شروع شد که کارآفرین^۲ را به عنوان کسی که برای کسب سود بیشتر ریسک می‌کند، تعریف کردند. مشکل اصلی این است که از همان ابتدا، از ادبیات غربی در تعریف کارآفرینی استفاده شده است. در این ادبیات، کارآفرین کسی است که برای کسب سود بیشتر ریسک می‌کند. اما این تعریف چه ربطی به کار و آفرینش دارد؟ ریشه تفکر غربی در فردگرایی است. دلیل اینکه در تعریف وبستر و در غرب، کارآفرین به کسی که برای کسب سود بیشتر ریسک می‌کند، اطلاق می‌شود، به این دلیل است که در این جوامع، انسان به مثابه موجودی سودمحور تعریف می‌شود. در این جوامع، سود غایت نهایی است و کار نه تنها مقدس نیست، بلکه امری نامقدس تلقی می‌شود.

۱) فردگرایی (Individualism) یا اصالت فرد، رکن مهم تئوریک در نظام «لیبرال - سرمایه‌داری» است و به تعبیری در قلب این نظام و ایدئولوژی بازار آزاد جای دارد. فردگرایی، آن نظریه اجتماعی یا ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش اخلاقی بالاتری را به فرد در قبال اجتماع یا جامعه اختصاص می‌دهد، و در نتیجه فردگرایی نظریه‌ای است که از آزادگذاشتن افراد به نحوی که عمل کنند به هر آنچه که تصور می‌کنند به نفع شخصی خودشان است، حمایت می‌کند.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

در تعریف‌های جدید حوزه کارآفرینی، حتی گفته می‌شود که خاستگاه کارآفرینی در جوامع فردگرای غربی است، جوامعی که در آنها سبقت‌جویی، رقابت، ستیزه و جنگ اصل و همکاری فرع محسوب می‌شود. ریشه این تفکر در جامعه «گزلشافت»^۱ است که به قول آدام اسمیت، هر انسان تا حدودی به یک تاجر تبدیل می‌شود.

تعریف کارآفرینی در ایران

خاستگاه کارآفرینی در ایران، کارآفرینی و کارآفرین غربی نیست؛ چراکه این مفاهیم از معرفت‌شناسی، فلسفه و بستر تاریخی متفاوتی نشأت می‌گیرند که با فرهنگ و هویت ما بیگانه است.

در تعریفی از مارکس اشاره شد که کاپیتالیسم^۲ و سوسیالیسم^۳ در یک نقطه به شدت با هم هم‌صدا می‌شوند و آن نقطه، نگاه هر دو به «طبیعت» است. هم مارکس و هم متفکران سرمایه‌داری، انسان را فاعل و طبیعت را مفعول می‌دانند. متفکران نئولیبرال، که از اوج‌نشینان سرمایه‌داری هستند، در عمل همان چیزی را می‌گویند و همان تله‌ای را می‌افتند که مارکس در تئوری از آن صحبت کرد و سوسیالیسم در عمل اجرا کرد. پس در این نقطه، سرمایه‌داری و سوسیالیسم به شدت به هم نزدیک می‌شوند. یعنی در معنای کار و در رویکردشان به کار، تفاوت چندانی با هم ندارند. بنابراین، ما نمی‌توانیم برداشت خود از کارآفرینی را از این دو مکتب غربی استخراج کنیم. باید از منابع و فرهنگ خودمان بهره بگیریم. در ایران، بستر کارآفرینی در مفهومی به نام «پتانسیل^۴ فرهنگی» نهفته است.

(۱) گماین‌شافت و گزلشافت (به آلمانی: Gemeinschaft und Gesellschaft) یا اجتماع و جامعه، بیانگر سنخ‌شناسی جامعه‌شناس آلمانی، فردیناند تونیس هست که به ترتیب معادل‌های Society و Community در انگلیسی و اجتماع و جامعه در پارسی برای آنها در نظر گرفته می‌شود.

(۲) سرمایه‌داری (به انگلیسی: Capitalism) یا سرمایه‌محوری، یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی (سود) در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود؛ که به این قانون، آزادی مالکیت شخصی نیز گفته می‌شود؛ که معنای آن، تولید و توزیع کالاها است.

(۳) سوسیالیسم (به فرانسوی: Socialisme) که در فارسی جامعه‌خواهی یا جامعه‌گرایی نیز خوانده می‌شود، اندیشه‌ای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که هدف آن ایجاد نظم اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر برابری است، به معنای آن که تمامی قشرها و طبقات جامعه سهمی برابر و هم‌اندازه در سود همگانی داشته باشند.

(۴) پتانسیل (به فرانسوی: Potentiel) یا به فارسی تَوَند به‌طور کلی اشاره به توانایی‌هایی که در حال حاضر تحقق نیافته دارد. اصطلاح پتانسیل (بالقوه) در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها از فیزیک تا علوم اجتماعی به کار می‌رود و نشان دهنده چیزهای گوناگونی



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

بدون شک، ریشه و مرجع این مفهوم در قرآن و احادیث، بخشی از پتانسیل فرهنگی ما را تشکیل می‌دهند. تعریف «پتانسیل فرهنگی» برای اولین بار در مقدمه کتاب انسان‌شناسی یاریگری ارائه شده است. تمام نهادها و سنت‌های یاری‌گری ایرانیان، چه در قالب خودیاری، دگریاری یا همیاری، فرهنگ مشارکت‌محور ایرانیان و شرقی‌ها که شارل فوریه^۱ آرزوی آن را داشت و روزی فرا می‌رسد که به طور کارآمد کار گروهی انجام شود و همه اینها جزو پتانسیل فرهنگی ما هستند. البته اینطور نیست که غرب پتانسیل فرهنگی نداشته باشد، غرب هم قطعاً پتانسیل فرهنگی خاص خود را دارد. اما پتانسیل فرهنگی آنها از بستر و زمینه خاص خودشان نشأت می‌گیرد. پتانسیل فرهنگی ما نیز از بستر و زمینه خودمان. کارآفرینی غربی از پتانسیل فرهنگی‌ای بیرون می‌آید که در آن سودمحوری و فردگرایی اصل است. اما کارآفرینی در سرزمین ما از پتانسیل فرهنگی‌ای ریشه می‌گیرد که در آن مشارکت، یاری‌گری و تقدس کار اصل و اساس است.

تبادل فرهنگ‌ها، کلید تعالی

ماندن در چهارچوب فرهنگ بومی و توقف در گذرگاه‌های تاریخی، زیننده هیچ فرهنگ زنده‌ای نیست. پویایی، لازمه حیات هر فرهنگ اصیل است. فرهنگ‌های زنده در تبادلی گزینش‌گراانه و آگاهانه با دیگر فرهنگ‌ها، چه سنتی و چه صنعتی، به تعالی خود دست می‌یابند و در این تبادل، هویت خود را از دست نمی‌دهند؛ بلکه آن را غنی‌تر می‌کنند. بستر رشد و توسعه، که البته تفاوت ظریفی با یکدیگر دارند، در همین تبادل‌ها نهفته است. به یاد داشته باشید که اروپا در بستر جامعه سنتی خود رشد کرد، نه اینکه مدرنیته و کارآفرینی را به زور به خود سنجاق کند. در صفحه ۲۱ مقدمه ترجمه انگلیسی کتاب «پدیدارشناسی روح» هگل^۲ می‌گوید: «ما مدرنیته را از رحم مادرش که سنت بود، متولد کردیم». اگر قرار باشد کارآفرینی، رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی در غرب معنا پیدا کند، باید همسو با معرفت‌شناسی غرب باشد، همانطور که همواره بوده است. اگر غرب در این مسیر موفق بوده است - که البته جای نقد بسیاری دارد -

است که در وضعیتی هستند که امکان تغییر در آنها وجود دارد.

1) Charles Fourier

۲) گئورگ ویلهلم فریدریش هگل (Georg Wilhelm Friedrich Hegel) فیلسوف بزرگ آلمانی و یکی از پدیدآورندگان ایدئالیسم آلمانی بود. هگل با فلسفه‌اش ملزومات ایدئالیسم مطلق که با نام اصالت تصور مطلق نیز شناخته می‌شود ایجاد کرد.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

به خاطر همین همگرایی بوده است. ما نیز اگر بخواهیم در صنعت و کارآفرینی خود به جایی برسیم که منجر به کارآفرینی واقعی شود، نه کارآفرینی غربی که می‌خواهند به ما تحمیل کنند، باید در بستر فرهنگ خودمان گام برداریم.

خودیاری، همیاری و دگریاری در کار گروهی

خودیاری همان چیزی است که ما در کار گروهی^۱ در غرب به شدت می‌بینیم. هنگامی که در غرب می‌گویند «بیاید کار گروهی کنیم»، منظورشان همین خودیاری است. این موضوع را بر اساس پژوهشی دوازده‌ساله در دوره دکتری خود بیان می‌کنم و از روی حدس و گمان نیست. بیشترین هم‌پوشانی کار گروهی در غرب، در مقوله خودیاری است.

همیاری چیست؟ فرض کنید به شخصی کمک می‌کنیم، اما این شخص می‌گوید: ببخشید، الان نمی‌توانم کمک کنم. اما پنج سال بعد، ده سال بعد، دو سال بعد، یک ماه بعد یا حتی یک روز بعد، به ازای آن کمک، کاری برای من انجام می‌دهد. این همان چیزی است که در ادبیات سنتی و دانش بومی ما به آن «وعده سر خرمن» می‌گویند. وعده سر خرمن واقعی بوده است؛ مثلاً، مردم برای لایروبی قنات دور هم جمع می‌شدند و به جای پرداخت هزینه یا دستمزد، می‌گفتند به ازای این کار، از محصول برداشت شده سهمی به ما بده، که به آن وعده سر خرمن می‌گویند. این همگرایی در یاری رساندن به یکدیگر را «همیاری» می‌نامیم.

دگریاری یعنی ایثار و فتوت. همانطور که در شعر سعدی آمده است:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

کارآفرینی در ایران و ژاپن

در غرب، در حوزه کار گروهی، بیشترین هم‌پوشانی را در خودیاری داریم. میزان همیاری بسیار اندک است و تقریباً می‌توان گفت که اصلاً دگریاری وجود ندارد. جالب است که بدانید کارآفرینی در ایران بر شانه‌های دگریاری استوار بوده است؛ یعنی کارآفرین کسی بوده که مهمترین ویژگی او «فتوت» بوده است و جالب‌تر آنکه، کارآفرینی در ژاپن بر

1) Teamwork



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

روی شانه‌های «بوشیدو»^۱ بوده است که نزدیک‌ترین تعریف به فتوت در فرهنگ ما است.

از سال ۸۹ و ۹۰ که همه جا صحبت از استارت‌آپ^۲ بود، من در تمام سخنرانی‌هایم می‌گفتم با استارت‌آپ‌هایی که صرفاً کپی شده مدل‌های سیلیکون ولی^۳ در ایران هستند، هیچ اتفاقی در تولید ناخالص ملی^۴ ما نمی‌افتد. یادتان هست که مدتی در حوزه روشنفکری ایران، هر کسی که فلسفه نخوانده بود اصلاً آدم حسابی به حساب نمی‌آمد و همه فقط از ژیزک^۵ حرف می‌زدند! بعد از مدتی هانا آرنت^۶ مد شد و همه فقط از هانا آرنت می‌گفتند! بحث اصلی این بود که نباید فلسفه را از آخر به اول خواند بلکه در فلسفه باید از اول به آخر خواند! فلسفه غرب را باید از اول به آخر خواند. در مورد کارآفرینی هم همینطور است؛ حتی اگر در غرب هم بخواهید کارآفرینی را یاد بگیرید، نمی‌توانید از آخر به اول شروع کنید. در مورد اقتصاد هم همینطور است؛ اگر در غرب هم می‌خواهید اقتصاد بخوانید، نمی‌توانید از نئولیبرالیسم شروع کنید، باید از کاپیتالیسم شروع کنید. اگر هیچ تعصب ملی‌ای برای این سرزمین نباشد، می‌توان از آخر هم به اول خواند.

۱) بوشیدو روماجی به معنای «راه جنگجو» یا راه و رسم سامورایی به منشور اخلاقی و ارزش‌های طبقه سامورایی در دوران پیشانین ژاپن اشاره دارد.

۲) شرکت نوپا، شرکت نوآفرین یا استارت‌آپ (به انگلیسی: Startup)، به شرکت یا کسب‌وکاری گفته می‌شود که معمولاً به تازگی و در نتیجه کارآفرینی یک یا چند فرد ایجاد شده‌است. چنین مجموعه‌هایی معمولاً رشد سریعی دارند و در جهت تولید راه حلی نوآورانه و دوام‌پذیر برای رفع یک نیاز در بازار شکل می‌گیرند.

۳) سیلیکون ولی، به معنی دره سیلیکون، (به انگلیسی: Silicon Valley) نام رایج و غیررسمی منطقه‌ای در حدود ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی سانفرانسیسکو در حومه سانتا کلارا، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا است. [۱] شهرت این منطقه به دلیل قرار داشتن بسیاری از شرکت‌های مطرح انفورماتیک جهان در این منطقه است. نام این منطقه نخست برگرفته از شمار بالای شرکت‌های تولیدکننده تراشه‌های سیلیسیمی در این منطقه بود که سپس به نمادی از وجود شرکت‌های بسیار فعال در زمینه فناوری‌های پیشرفته در این منطقه تبدیل شد.

4) GDP, GNP

۵) اسلاووی ژیزک به اسلونایی Slavoj zizek زاده ۲۱ مارس ۱۹۴۹) فیلسوف، نظریه‌پرداز، جامعه‌شناس، منتقد فرهنگی و سیاست‌مدار اسلوونیایی است.

۶) هانا آرنت (به آلمانی: Hannah Arendt) زاده ۱۴ اکتبر ۱۹۰۶ در لیندن، فیلسوف سیاسی و تاریخ‌نگار آلمانی-آمریکایی بود. هانا آرنت، از مهم‌ترین اندیشمندانی بود که آرا و افکارش تأثیری ژرف در سده بیستم میلادی بر جای گذاشت. او از یهودیانی بود که از هولوکاست جان سالم به در برد و به ایالات متحده مهاجرت کرد. زمینه فلسفه و آثار او، موضوعاتی همچون دموکراسی مستقیم یا اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی حکومت‌های استبدادی است.



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

کارآفرینی در ایران: بر شانه‌های یاری‌گری

پس به یاد داشته باشید که اگر قرار باشد کارآفرینی در این سرزمین به درستی فهمیده و نهادینه شود، باید بر روی شانه‌های یاری‌گری استوار باشد. از منظر کارآفرینی چرا کار گروهی تا این حد حائز اهمیت است؟ به دلیل اینکه در همین لحظه‌ای که تعداد کارآفرین‌هایی که در آمریکای شمالی متولد می‌شوند بیشتر از زاد و ولدهایشان است، در همین لحظه که این اتفاق می‌افتد، هشتاد و سه و هفت دهم درصد، حدوداً هشتاد و چهار درصد از دلیل شکست تیم‌های موسس، نداشتن تفکر کار تیمی است. یعنی قریب به هشتاد و چهار درصد از دلیل شکست‌های انترپرنرها^۱ در همان آمریکای شمالی، عدم کار گروهی و کار تیمی است.

باعث تاسف است که همین اتفاق هم دارد در سرزمینی می‌افتد که بر روی شانه‌های یاری‌گری، خودیاری و دیگریاری استوار بوده است. همین اتفاق هم در سرزمینی می‌افتد که کارآفرینیش بر روی مفاهیم دیگریاری و فتوت استوار بوده. به خاطر اینکه ما کارآفرینی را از پتانسیل فرهنگی خودمان نخواندیم و مثل مدرنیته خواستیم به خودمان سنجاق کنیم. بدون معرفت‌شناسی، نمی‌توان کارآفرین تربیت کرد؛ حتی بعید است کارآفرین خیلی موفق هم تربیت کرد.

قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۲؛ پس از این، چه باید کرد؟ ما به دنبال راهکار برای بعد از این هستیم و می‌دانیم که کارآفرینی باید تعاونی باشد، باید از بستر کار و نه از بستر سود نشأت بگیرد. اولین قدم، پژوهش است. باید یاد بگیریم که نمی‌توان از آخر به اول رفت. در پntl‌های آینده‌پژوهی در حوزه کارآفرینی، باید حضور فیلسوف، جامعه‌شناس، انسان‌شناس، مردم‌شناس و روحانی در کنار مهندسان الزامی باشد. دومین نکته این است که هر سر فصلی که می‌خواهیم به عنوان موتور محرک توسعه در این سرزمین قرار دهیم، باید بر پایه معرفت‌شناسی بنا شود. سومین نکته این است که باید یاد بگیریم و به خاطر داشته باشیم که کارآفرینی در این سرزمین با طبیعت همسو بود، نه اینکه بر ضد آن عمل می‌کرد. به جای حفر چاه‌های عمیق، قنات و کاریز حفر می‌شد. اصل

(۱) کارآفرین، Entrepreneur.

(۲) سوره نجم آیه ۳۹: و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست،



کارآفرینی با تاکید بر دانش ضمنی ایرانیان؛ کارآفرینی فتوتی

چهار ترومن که در اواسط دهه چهل و اوایل دهه پنجاه اجرا شد، نه تنها بزرگترین ضربه را به توسعه کشور ما، بلکه به کارآفرینی نیز زد؛ زیرا به جای کارآفرین، متضاد کارآفرینی را ترویج کرد.

به امید ایجاد اشتغال، شروع به حفر چاه‌های عمیق کردیم؛ اما با این تغییر در تعریف، حاصل چند صد سال تلاش کشاورزان ایرانی که تا اواخر دهه پنجاه از شصت هزار رشته قنات، بیست میلیارد متر مکعب آب استخراج می‌کردند، به جایی رسید که اکنون فقط یک بیستم آن، یعنی حدود یک میلیارد متر مکعب آب استخراج می‌شود.

نتیجه رویکرد «کارآفرین» سود بیشتر، مصرف بیشتر و بر طبیعت بودن، نه با طبیعت بودن است. کارآفرینی ما بر شانه‌های فتوتی که مقنی به زیر زمین می‌برد، بنا شده بود. به طوری که قنات‌های ایران به اندازه هفت و هفت دهم خط استوا، معادل با مسافت زمین تا کره ماه، امتداد داشتند. تمدن ما در شرایطی با هشتاد و سه درصد خشکی ساخته شد. اگر قنات‌های ایران را صاف کنیم، طول آنها به اندازه هفت و هفت دهم خط استوا، معادل با طول ریشه‌ها و ساقه‌های قنات، خواهد شد.

بازاندیشی در نظام آینده‌اندیشی ایران: مطالعه موردی بحران آب

از سال ۱۳۳۵ تا زمان نگارش مقاله در سال ۱۳۹۷، با بررسی آراء اندیشمندانی چون استاد فریار، باستانی پاریزی، مرتضی‌فرهادی و...، به این نتیجه رسیدیم که جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، مردم‌شناسان و متفکران محیط زیست، همگی نسبت به پیامدهای منفی رویکرد «کارآفرینی» در حوزه حکمرانی آب هشدار داده بودند. آنها معتقد بودند که این رویکرد، فاجعه‌ای را برای این سرزمین به ارمغان خواهد آورد. اما متأسفانه، این هشدارها شنیده نشد!

کری کنشی به معنای شنیدن صرف نظرات بدون واکنش فعالانه است. از دهه ۳۰ و به خصوص از اوایل دهه ۴۰، هشدارها در مورد پیامدهای منفی رویکرد کارآفرینی شنیده شد، اما هیچ واکنش فعالانه‌ای به آنها صورت نگرفت. در عمل باید فعالانه بشنویم و دلسوزانه به حرف‌های دلسوزان این سرزمین، فارغ از گرایش سیاسی و اندیشه‌ای آنها، گوش فرا دهیم و به طور فعالانه به آنها عمل کنیم؛ همچنین باید به یاد داشته باشیم که اگر از فرهنگ یاریگری خود به سمت فردگرایی و انزوا گرایش پیدا کنیم، تمام سلسله ارتباطات خود را با گذشته که بر پایه دانش ضمنی بنا شده، قطع خواهیم کرد. ما باید دانش ضمنی خود را به دانش صریح تبدیل کنیم، اما نمی‌توانیم دانش ضمنی دیگران را به دانش آشکار خود تبدیل کنیم.



مقام معظم رهبری دامت ظلّه:

«کار فی نفسه مهم است، کار که بکنید، نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. خاصیت کار، کاهش نیست، افزایش است و کسی که در کار کردن کوتاهی کند، تقصیر بکند، سستی او افزایش پیدا می‌کند. این روی اشخاص نیست، روی جوامع هم هست...»
(بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور؛ ۱۶/۰۶/۱۳۸۹)

همیاری یعنی وقتی شخصی کمکی می‌کنیم و او می‌گوید: ببخشید، الان نمی‌توانم کمکت کنم! اما پنج سال بعد، ده سال بعد، دو سال بعد، یک ماه بعد یا حتی یک روز بعد، به ازای آن کمک، کاری برای من انجام می‌دهد. این همان چیزی است که در ادبیات سنتی و دانش بومی ما به آن «وعده سر خرمن» می‌گویند.
وعده سر خرمن واقعی بوده است؛ مثلاً، مردم برای لایروبی قنات دور هم جمع می‌شدند و به جای پرداخت هزینه یا دستمزد، می‌گفتند به ازای این کار، از محصول برداشت شده سهمی به ما بده، که به آن وعده سرخرمن می‌گویند.

این همگرایی در یاری رساندن به یکدیگر را "همیاری" می‌نامیم.
دگریاری یعنی ایثار و فتوت. همانطور که در شعر سعدی رحمته الله علیه آمده است:

«تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز»